



کشتی باجوخه در اسفراین

جهان فرهنگی

درس اول

در سال گذشته مطالبی دربارهٔ جهان اجتماعی و طبیعی، فرهنگ، هویت افراد و جهان اجتماعی آموختید. به چهار گروه تقسیم شوید و در هر گروه، با توجه به آنچه خوانده‌اید، یکی از پرسش‌های زیر را بررسی کنید. برای هر گروه یک دبیر جلسه و یک نماینده انتخاب کنید. دبیر جلسه خلاصهٔ گفت وگوهای اعضای گروه را ثبت می‌کند. نمایندهٔ هر گروه دست‌نوشته‌های دبیر جلسه را در کلاس می‌خواند.

● تفاوت جهان اجتماعی و جهان طبیعی چیست؟

● سال گذشته فرهنگ را چگونه تعریف کردید؟

● فرهنگ چه نقشی در هویت‌یابی افراد و جهان اجتماعی دارد؟

● هویت جهان اجتماعی بیشتر از لایه‌های عمیق فرهنگ (عقاید و ارزش‌ها) تأثیر می‌گیرد یا لایه‌های سطحی آن (هنجارها و نمادها)؟ چرا؟ **لایه‌های عمیق**

نمایندگان گروه‌ها، گروه تلفیق را شکل دهند. اعضای گروه تلفیق دربارهٔ ارتباط مباحث گروه‌ها گفت وگو کنند،

نتیجه و چکیدهٔ بحث‌شان را ارائه دهند و با راهنمایی دبیر آن را بازبینی کنند. **روح و شالوده هر فرهنگ چیست؟**

هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد. این پرسش‌های بنیادی کدام‌اند؟ چه پاسخی به این پرسش‌ها داده می‌شود؟ این پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند و به مثابه روح یا شالودهٔ آن فرهنگ عمل می‌کنند.

پرسش‌های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند. **پرسش‌های بنیادی هر فرهنگ به چند دسته تقسیم می‌شوند؟**

۱ ● هستی‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟

۲ ● انسان‌شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا انسان موجودی مختار و فعال است یا مجبور و منفعل؟

۳ ● معرفت شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟ پاسخ‌های متفاوت به این پرسش‌های اساسی، جهان‌های فرهنگی مختلفی پدید می‌آورد. آیا می‌دانید منظور از جهان فرهنگی چیست؟

جهان انسانی

وقتی به اطراف خود نگاه می‌کنیم، با پدیده‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شویم. با تأمل بیشتر متوجه می‌شویم که این پدیده‌ها در مجموعه‌های بزرگ و مهمی دسته‌بندی می‌شوند. این مجموعه‌ها را به دلیل گستردگی و اهمیت‌شان «جهان» می‌نامند. یکی از این جهان‌ها، جهان انسانی است. جهان انسانی محصول زندگی انسان است و هر چه با اندیشه و عمل انسان پدید می‌آید به این جهان تعلق دارد. آیا می‌توانید برخی از پدیده‌هایی را که به جهان انسانی تعلق دارند نام ببرید؟ فرهنگ - آموزش - خانواده - اقتصاد - قوانین اجتماعی

جهان انسانی به چند بخش تقسیم می‌شود؟

جهان انسانی به دو بخش فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود؛ منظور از بخش فردی جهان انسانی چیست؟
بخش فردی آن به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها باز می‌گردد. ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها به این بخش تعلق دارد. هر کدام از ما دانسته‌ها، تجربه‌ها و خلیات ویژه‌ای داریم که افراد دیگر با ما در آنها شریک نیستند.

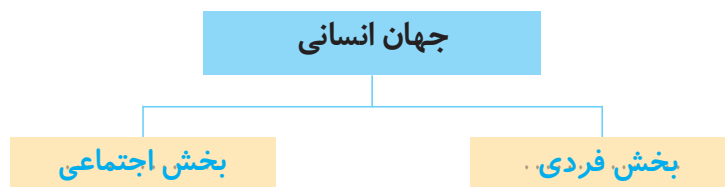


■ بخش فردی جهان انسانی؛ سه فرد در یک مسابقه، موضوعی واحد را به سه شکل مختلف خلق می‌کنند.

منظور از بخش اجتماعی جهان انسانی چیست؟

بخش اجتماعی آن، زندگی اجتماعی انسان‌ها را در بر می‌گیرد. قبلاً آموخته‌اید که این بخش هویت فرهنگی دارد. فرهنگ را تعریف کنید
محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست. بخش فردی و بخش اجتماعی جهان انسانی را چه می‌نامند؟
از این رو، بخش فردی جهان انسانی را جهان ذهنی و بخش اجتماعی آن را جهان فرهنگی نیز می‌نامند.

نمودار زیر را کامل کنید.



چه زمانی فرد در محدوده ی جهان فردی و ذهنی خود قرار دارد و چه زمانی به جهان فرهنگی وارد می شود؟

(وقتی فردی درباره موضوعی خاص می اندیشد، در محدوده فردی و ذهنی خود قرار دارد، ولی هنگامی که اندیشه اش را به صورت گفته یا نوشته بیان می کند یا براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می کند، به جهان فرهنگی وارد می شود.)

ایا بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان اجتماعی، تناسب و هماهنگی وجود دارد؟ توضیح دهید

[بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد. هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به وجود می آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات، اجازه بروز می دهد. هر نوع عقیده و اخلاقی نیز فرهنگی متناسب با خود را جست و جو می کند.]



■ وقتی فردی کتابی می نویسد یا مجسمه ای می سازد یا به دیگری مهر می ورزد، از جهان فردی به جهان فرهنگی وارد می شود.

گفت و گو کنید

درباره راه های ورود یک اندیشه فردی به حوزه فرهنگ گفت و گو کنید.

وقتی فردی کتاب می نویسد

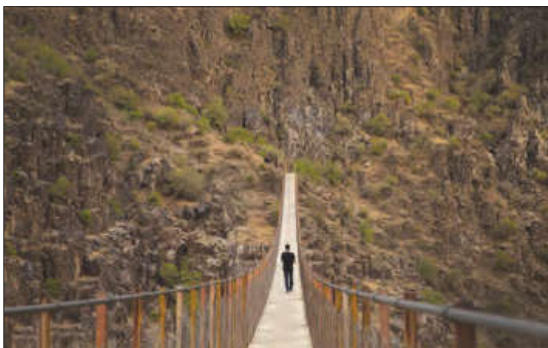
وقتی یک شاعر، شعری می سراید

وقتی یک فیلمساز، فیلم تهیه می کند

جهان تکوینی

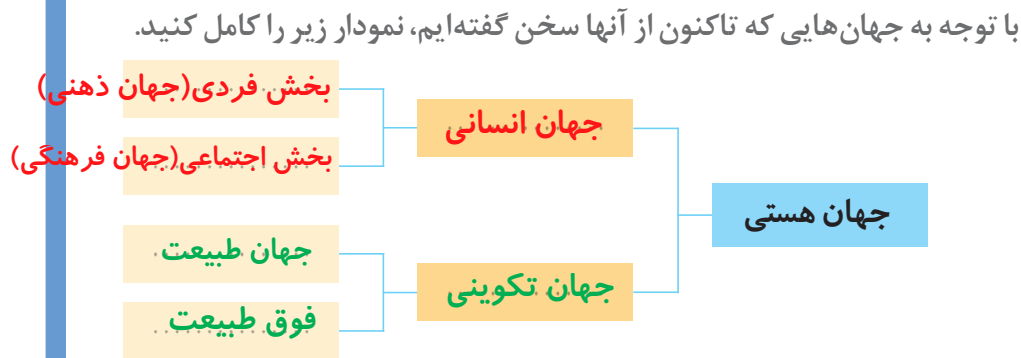
روح- جن- جهان آخرت- ملکوت

می دانیم که تمامی پدیده های جهان هستی محصول زندگی انسان نیستند. آیا می توانید برخی از این پدیده ها را نام ببرید؟ در مقابل جهان آتشی، جهان دیگری به نام جهان تکوینی وجود دارد. این جهان، پیش از انسان هم بوده و وجود آن مستقل از خواست و اراده انسان است. جهان تکوینی شامل چه بخش هایی است؟



■ جهان هستی و بخش های مختلف آن

اندیشمندانی که جهان تکوینی را به طبیعت محدود می کنند، از چند جهان سخن می گویند؟
[برخی جهان تکوینی را به طبیعت محدود می کنند. آنها طبیعت را در مقابل جهان انسانی قرار می دهند. جهان انسانی را به دو جهان ذهنی و فرهنگی تقسیم می کنند و به این ترتیب از وجود سه جهان سخن می گویند. جهان طبیعت، جهان ذهن و جهان فرهنگ.]
[متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی دانند. از نظر آنان، جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است و جهان تکوینی را هم به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می کنند.] دیدگاه متفکران مسلمان را در باره ی جهان تکوینی بنویسید



تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی

جهان‌های مختلف با هم رابطه و تعامل دارند. قبلاً از تعامل جهان ذهنی و جهان فرهنگی سخن گفتیم. بین جهان تکوینی و جهان انسانی نیز رابطه و پیوند برقرار است. دربارهٔ جهان‌های مختلف و رابطهٔ آنها با هم دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. آیا می‌توانید برخی از این دیدگاه‌ها را حدس بزنید؟



■ باغ گلشن طبرس؛ باغ‌سازی ایرانی ارتباطی نزدیک با باورهای مذهبی و اعتقادات سازندگان آنها داشته است. باغ تمثیلی است از بهشت جاویدان و برگرفته از آیات قرآن درباره بهشت.



■ هنرمند عضوی از یک فرهنگ است و آثارش مطابق با نوع فرهنگی است که با آن مناسباتی دارد. هنر را می‌توان بیان ژرف‌ترین فردیت هنرمند دانست. اما این فردیت مجرد از اجتماع نیست.

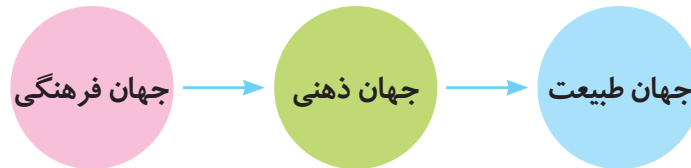
دیدگاه اول، گروهی که جهان عینی را به طبیعت محدود می‌کنند، را توضیح دهید

[دیدگاه اول: براساس این دیدگاه جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود و جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی است. ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آنها نظیر علوم طبیعی است. طرفداران این دیدگاه بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند. نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند.] در این باره، در آینده بیشتر خواهید آموخت.



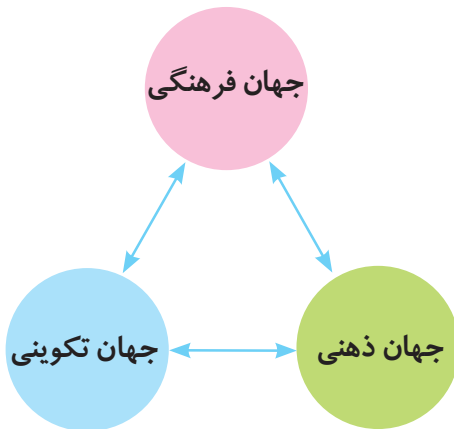
دیدگاه دوم، که فرهنگ را مهم تر از جهان ذهنی و جهان طبیعی می دانند، توضیح دهید

[دیدگاه دوم: گروهی دیگر جهان فرهنگی را مهم تر از جهان ذهنی و تکوینی می دانند. در این دیدگاه جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آنهاست و جهان تکوینی ماده خامی است که فرهنگ ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می کنند. از این دیدگاه، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می دهند.]



دیدگاه سوم: براساس این دیدگاه، جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی، مهم و در تعامل با یکدیگرند.

شما کدام یک از دیدگاه ها را درست می دانید؟ فکر می کنید کدام یک فرصت تعامل صحیح



انسان با خودش و جهان هستی را فراهم می کند؟
از نگاه قرآن، جهان تکوینی چگونه است؟
جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست. ادراک و آگاهی نیز به انسان منحصر نمی شود و جهان تکوینی بر اساس حکمت و خواست خداوند سبحان، با افراد و جوامع انسانی رفتاری حکیمانه دارد.
دیدگاه قرآن نسبت به جامعه و فرهنگ و مسئولیت افراد در قبال جامعه چیست؟
قرآن کریم برای جامعه و فرهنگ جایگاه ویژه ای قائل است و از زندگی و مرگ امت ها سخن می گوید. در عین حال، جهان فردی اشخاص را نادیده نمی گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می کند.

بخوانیم و بدانیم

از منظر قرآن، چه زمانی جهان تکوینی، درهای برکات خود را به روی انسان ها و جامعه می گشاید؟
- از منظر قرآن، هرگاه انسان، اخلاق الهی داشته باشد و جامعه نیز از فرهنگ توحیدی برخوردار

باشد، جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی آنها می گشاید و هرگاه افراد و فرهنگ از زمانی زمین و آسمان از تعامل سازنده با افراد و جامعه سرباز می زنند و ظرفیت های الهی و آسمانی خود را از آنها پنهان می کنند؟
جامعه هویتی مشترکانه داشته باشند، زمین و آسمان از تعامل سازنده با آنها سر باز می زنند و

ظرفیت های الهی و آسمانی خود را از آنها پنهان می کنند.
در چه صورت انسان، از تعامل صحیح با جهان هستی باز می ماند و نمی تواند استعدادهایش را شکوفا کند؟
- برخی دیدگاه ها، بر شناخت درستی از انسان و جهان هستی استوار نیستند. اگر انسان از

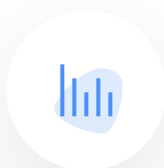
خود و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی باز می ماند و نمی تواند استعدادهایش را بیرون اند و شکوفا کند. قرآن کریم، باورها و اعمالی را که نمی گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند، «اغلال و سلاسل» می نامد. اغلال و سلاسل،

زنجیرهایی هستند که انسان را در دنیا و آخرت به بند می کشند. منظور قرآن از "اغلال و سلاسل" چیست؟



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد